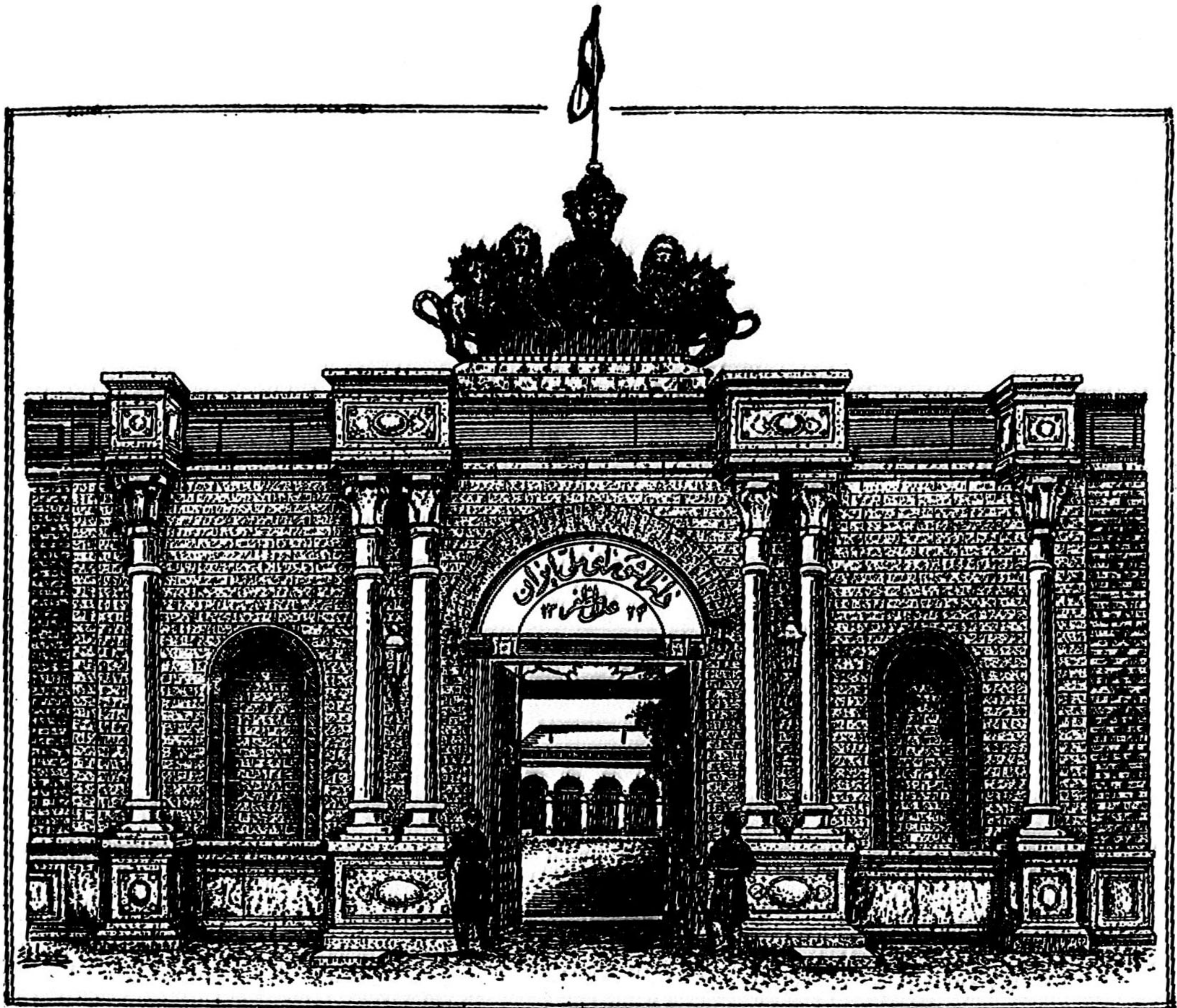


دوره ششم تقنینیه

<p>جلسه ۱۲۱</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۸۶</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۱ ذیحجه ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجه « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

	از صفحه	الی صفحه	عنوان	
			مذاکره لسیه بخبر کمیسیون بودجه راجع به متمم قانون بودجه اضافی سنه ۱۳۰۵	۱
۱۷۵۸	۱۷۵۷		صحبته کل مملکتی و تصویب آن	
			تقدیم طرح قانونی راجع بساختمان مقبره فردوسی از طرف آقای ارباب کیخسرو و ارجاع	۲
	۱۷۵۹		آن بکمیسیون محاسبات مجلس	
			تقدیم طرح قانونی راجع بساختمان جسر بین رشت و لاهیجان و ارجاع آن به	۳
۱۷۶۰	۱۷۵۹		کمیسیون مبتکرات	
			ارجاع طرح قانونی راجع به ناهل مستخدمین دولتی بکمیسیون تجدیدنظر در قانون استخدام	۴
۱۷۷۸	۱۷۶۱		بقیه شور لسیه بخبر کمیسیون بودجه راجع باضافات سنه ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه	۵
	۱۷۷۹		متمم قانون بودجه اضافی سنه ۱۳۰۵ صحبته کل مملکتی	۶



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۳۰ خردادماه ۱۳۰۶ مطابق ۲۱ ذیحجه ۱۳۴۵

جلسه ۱۲۱

غائبین با اجازه جلسه قبل
 آقابان : اسفند یاری - نظام مافی - ضیاء - حشمتی
 حیدری - آشتیانی - فرشی - میرزا حسن خان وثوق - زعیم
 غائبین بی اجازه جلسه قبل

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای پیرنیا
 تشکیل گردید)
 (صورت مجلس یکشنبه ۲۸ خرداد ماه را آقای
 بنی سلیمان قرائت نمودند)

آقایان : علیخان اعظمی - نوینت - حاج حسن آقا
 ملك - لبقواتی -
 در آمدگان با اجازه جلسه قبل
 آقایان : دکتر سنك - حاج میرزا حبیب الله امین -
 قوام - مهدوی - عدل
 در آمدگان بی اجازه جلسه قبل
 آقایان - دشتی - بهار
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - آنجا نوشته بود عدم امکان تسلیم
 قوه قضائیه باید این طور اصلاح بشود عدم جواز یکی
 دیگر هم محرومیت قضاة و صاحب منصبان پارک در حوزه
 مأموریتشان از انتخاب نه مطلقاً این بود خواستم اطلاع
 بدهم .
 رئیس - بعد اصلاح میشود آقای معتضد .
 معتضد - بنده چون امضای معتضد استرادی
 است و در آنجا استرادی را نداشت خواستم تذکر بدهم و
 استدعا کنم لفظ استرادی نوشته شود
 رئیس - صورت مجلس دیگر ایرادی ندارد ؟
 (اظهاری نشد)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد .
 رئیس - آقایان دادگر و دکتر طاهری پیشنهاد
 کرده اند خبر کمیسیون بودجه راجع به صحیه در دستور
 مقدم باشد . مخالفی ندارد ؟
 بعضی از نمایندگان - خیر
 (ماده واحده پیشنهادی کمیسیون بضمون ذیل
 قرائت شد)
 ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است علاوه بر
 مبلغ ۸۶۷۱ تومان اعتبار اضافی بودجه ۱۳۰۵ اداره
 صحیه وانستیتو باستور مصوب ۲۲ فروردین ماه ۱۳۰۶
 شمسی مبلغ درویش و هشتاد و شش تومان بشرح ذیل
 بداره کل صحیه پرداخت نماید .

بابت تنه حقوق چهار ماهه آخر ۱۳۰۵ رئیس
 كل صحیه ۲۰۰ تومان
 بابت تنه حقوق چهار ماهه بگنفر شو فرصیه ۸۰ تومان
 بابت تنه حقوق سه ماهه بگنفر منشی ۵۸ تومانی ۶ تومان
 رئیس - آقای کازرونی
 کازرونی - موافقم
 رئیس - آقای دادگر
 دادگر - موافقم .
 رئیس - آقای شریعت زاده
 شریعت زاده - موافقم .
 رئیس - آقای بامداد
 بامداد - موافقم .
 رئیس - آقای زوار
 زوار - موافقم .
 رئیس - آقای محمد ولی میرزا
 محمد ولی میرزا - عرضی ندارم .
 رئیس - آقای دهستانی
 دهستانی - موافقم .
 رئیس - آقای فیروز آبادی
 فیروز آبادی - بنده اولاً میخواهم شرحی تمجید کنم
 از اداره صحیه و رئیس كل صحیه که الحق مادام که
 متصدی امر صحیه شدند خود چند مرتبه مبتلا شدم چند
 مرتبه فرستادم آنجا و کاملاً از عهده بر آمدند . خوب
 شدند رفتند بمنزلهاشان و خیلی تشکر میکنم و امیدوارم
 که سایر اداراتمان هم رو بترقی برود اما از آنجائی که
 علاقه و اخلاص بایشان پیدا کرده ام از این جهة میل
 ندارم نه به حقوق خودشان افزوده شود نه به حقوق
 شوفرشان و نه به حقوقات دیگر ...
 بعضی از نمایندگان - از قلم افتاده است .
 فیروز آبادی - خوب بنده گمان کردم جزء اضافات

است . اگر چنانچه از قلم افتاده بسیار خوب بنده
 مخالفت نمیکم . اما اگر چنانچه بخواهند اضافه بر سابق
 بشود بنده مخالفم .
 رئیس كل صحیه (معاون فنی وزارت داخله) - این
 لایحه بقدری روشن نوشته شده است که اگر ملاحظه
 فرموده باشند گمان نمیکم ایرادی وارد باشد . يك مبلغی
 اشتباهاً در کمیسیون بودجه دو مرتبه کسر شده ولی این
 اعتبار اعتبار اصلی بوده است اضافه نبوده .
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب - يك کلمه را خواستم عرض کنم
 اینجا که نوشته شرف هشتاد تومان این یکماه نیست دو
 ماهه است ...
 بعضی از نمایندگان - چهار ماهه است .
 آقا سید یعقوب - یا چهار ماهه است . در هر صورت
 غرضم این است که یکماهه نیست .
 مخبر - چهار ماه را آقای آقا سید یعقوب مسبقند
 که مربوط باخر سال است و چهار ماه را ماهی بیست
 تومان کسر کردیم از اینجا و بجای دیگر مصرف کردیم
 بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 رئیس - مخالفی ندارد .
 (گفته شد خیر)
 رئیس - رأی گرفته میشود با اوراق آقایان موافقین
 ماده واحده اوراق سفید میدهند
 (اخذ و شماره آراء بعمل آمده هشتاد و شش
 ورقه سفید تعداد شد)
 رئیس - عدد حاضر ۹۲ با ۸۶ رأی تصویب شد
 اسامی رأی دهندگان
 آقایان : امام جمعه شیراز - محمد ولی میرزا - عصر انقلاب
 دکتر رفیع خان امین - محمود رضا - شیروانی - دادگر - کی استوان
 ملك آرائی - احتشام زاده - غلامحسین میرزا مسعود - دکتر سنك
 میرزا حسن آیت الله زاده - میرزا سید علی عمادی -

ملك مدنی - خطیبی - آقا سید یعقوب - بهبهانی -
 مدرس - معتمد التولیه - میرزا هاشم آشتیانی - آوانس
 خان مساعد - حاج میرزا مرتضی - حاج آقا حسین
 زنجانی - شیخ الاسلام ملایری - خواجوی - امام جمعه
 اهر - نفقه الاسلامی - آقا سید علی اکبر آیت الله زاده
 طباطبائی دیبا - موقر - حاج غلامحسین ملك - دولتشاهی
 روحی - مرتضی قلیخان بیات - شریعت زاده - دکتر
 هادی طاهری - دکتر مصدق - وکیل طباطبائی -
 ابراهیمی - نابت - جوانشیر - حقنویس - اسکندری
 ذوالقدر - عراقی - فرهمند - دکتر لقمان - افسر - فهمی
 آقا زاده سبزواری - نجومی - افشار - آقا سید کاظم زدی
 امیر حسین خان ایلخان - بنی سلیمان - دشتی - میرزا
 عبد الباقی - جلائی - حاج علی اکبر امین - سید حسین
 آقایان - باستانی - هفتی - پالیزی - اعتبار - اعظمی -
 محمد آخوند - وزیری - معظمی - بامداد - میرزا
 عبد الحسین - زوار - نگهبان - محمد تقی خان اسعد -
 ارباب کیخسرو - کازرونی - سهرابخان ساکینیان -
 میرزا جواد خان خوئی - عدل - میر ممتاز - آقا سید
 جواد محقق - امیر اسدالله خان عامری - اسکندر خان
 مقدم - آقا علی زارع - دیوان بیکی - دهستان -
 رئیس - آقای ارباب کیخسرو
 ارباب کیخسرو - بدیهی است وقتیکه در دنیای وسیع
 هرملتی بخیرال موجبات ترقی و قدردانی و هرچه که باعث
 پیشرفت کار خودش باشد می افتد اگر ما هم متدرجاً از
 آنچه در گذشته غفلت شده باشد بخیرال بیفتیم يك کار
 فوق العاده نکرده ایم بنده خودم عجب می کنم که در حال
 کمناهی خودم میخواهم از يك شخص خیلی بزرگی اینجا
 عرضه بدارم که در خور کوچکی خودم نمیدانم ولی چون
 آرزوی بنده است البته مورد اعتراضی نباید واقع شود
 و آن راجع بخدماتی است که حکیم ابوالقاسم فردوسی
 طوسی بان مملکت کرده . يك مملکتی که بکلی نام و نشانش
 ازین رفته بود ، زبانش از میان رفته بود و بالاخره اصول

ملیتش بکلی محو شده بود، این شخص در عصر خودش در آن حدی که در قوه خودش بود زحمت کشید و هیچ بهره مادی هم نبرد و بالاخره آن نام ابدی را برای خودش باقی گذاشت و با آن خدمتی که کرد و آن نام ابدی را باقی گذاشت محتاج نخواهد بود که ماسعی کنیم برای او تجدد نام کنیم پس چه می‌خواهیم بکنیم؟ می‌خواهیم نشان بدهیم که ما هم قدر و قیمت زحمات او را تا حد کوچکی می‌توانیم تقدیر کنیم. فقط این کار را می‌توانیم بکنیم والا آن شخص با خدماتی که خودش کرده است و زحمانی که کشیده است هیچ محتاج بکوشش از طرف ما نخواهد بود خصوصاً با آن فرد شعری که خودش نسبت بخودش می‌گوید: برآوردم از نظم کاخ بلند - که از باد و باران نباید گزند. تا این نام که برای خودش باقی گذاشته محتاج نخواهد بود که بنده چیزی عرض کنم و هرچه عرض کنم بواقع بر بزرگی او نیفزوه است ولی خودم را کوچکتر کرده‌ام. اینجا مدتی است که ایرانیان باین خیال افتاده‌اند که هر کدام در قسمت اشخاصی که برای این مملکت زحمت کشیده‌اند یک قدر دانی هائی بکنند. نسبت باین شخص بزرگ هم همینطور بخيال افتاده بودند. بالاخره انجمن آثار ملی که در تحت توجهات عالیّه اعلی حضرت اقدس پهلوی تشکیل شد چنانکه ایشان همیشه مقید بوده‌اند باصل ایرادیت و بحفظ آنچه برای ترقی ایران لازم است در این باب هم بذل توجه فرمودند. انجمن آثار ملی تشکیل شد از اشخاص از قبیل آقای مشیر الدوله و آقای مستوفی الممالک و آقای ذکاء الملک و آقای علایی و آقای تقی زاده و یک عده از امثال این قبیل اشخاص و سعی کردند یکی از کار هائی که می‌کنند این باشد که مقبره مرحوم فردوسی را که بکلی دارد محو میشود و جز تل خاکی از آن باقی نمانده است صورتی بدهند و یک یادگار قدر دانی از طرف ایرانیان باشد در این باب کوشش ها کردند که شاید بوسیله اعانه ملی بتوانند این کار را انجام بدهند. متأسفانه تا بحال در حدود سه هزار و هفتصد و سی و هشت

تومان کسری بیشتر توانستند وجهی دردست داشته باشند در صورتیکه برای آن مقبره بر طبق نقشه که تهیه شده است لا اقل در حدود بیست و پنج هزار تومان خرج دارد برای اینکه یک چیزی باید باشد که هر روز قابل تعمیر نباشد و از سنگ و از چیز های محکم ساخته شود. برای اینکه اینکار عملی بشود. چون این شخص يك خدمتی به ملت کرده و يك شخص ملی بوده است و خدمت به اساس ملیت کرده است بنده در سهم خودم بیشتر مقید بودم که انجام این کار هم بدست مجلس مقدس شورای ملی بشود و بنام مجلس شورای ملی این کار تمام شود. پیشنهادی اینجا تهیه شده است و آن پیشنهاد را هم نود و دو نفر از وکلای مجلس امضاء کرده‌اند که تقدیم میشود. پیشنهاد شده است که اجازه داده شود اداره مباشرت مجلس شورای ملی از صرفه جوئی هائی که ممکن است در هذمه السنه از بودجه خودش بکند بیست هزار تومن برای انجام و تکمیل این مقصود منظور بدارد و بتوسط انجمن آثار ملی با اطلاع آنها بمصرف برسد و اینجا استدعای يك شور هم شده است که لازم نباشد به کمیسیون مبتکرات برود. برود به کمیسیون محاسبات، کمیسیون محاسبات مطالعات خودش را نموده راپورت آنرا به مجلس تقدیم نماید.

رئیس -- این لایحه طبعاً يك شوری است چون راجع به بودجه است. مراجعه میشود به کمیسیون محاسبات پس از آنکه راپورتش آمده مطرح می‌شود. يك طرحی هم آقای طلوع پیشنهاد کرده‌اند و تقاضا کرده‌اند قرائت شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

یکی از وسائل ترقی اقتصاد ایجاد راهها و سرعت سیر نقلیه ها و ارزانی آن و سهولت حمل و نقل است: راه نیم شوسه رشت بلاهیجان که محل عبور و مرور و حمل مال التجاره از رشت بلاهیجان، دیلمان، سیاهکل، عمارلو، لنگرود، رانکوه، تنکابن، مازندران است بواسطه

رود خانه عظیم سفید رود که بین راه رشت و لاهیجان واقع و در قریه رشت آباد و کیسوم دو شعبه میشود مسافرتین و مکالمات با زحمات فوق الطاقه بوسیله قایق ها پس از چند ساعت معطلی از دوشعبه سفید رود عبور مینمایند. در موقع زیادتی آب هر ساله مقدار زیادی مال التجاره از بین رفته و چند نفر غرق میشود.

برای ارتباط منظم دو ایالت مهم مازندران و گیلان و برای پیشرفت اقتصاد و توسعه تجارت و فلاح و تسهیل مسافرت و جلوگیری از اتلاف نفوس و مال التجاره ماده واحده را پیشنهاد مینماید:

ماده واحده - وزارت عالیّه مجاز است از محل عایدات راه بابت ۱۳۰۶ یا از محل صرفه جوئی ۱۳۰۵ ناحدود بیست و پنج هزار تومان برای ساختن يك پل متحرك (جسر) بین رشت و لاهیجان بوزارت فواید عامه اعتبار بدهد - پل مزبور روی سفید رود در نقطه رشت آباد و کیسوم ساخته خواهد شد. محمود رضا عمادی - دکتر سنک و جمعی از آقایان نمایندگان

رئیس -- مراجعه میشود به کمیسیون مبتکرات طرحی هم سابقاً آقای حاج آقا رضا رفیع راجع به ازدواج پیشنهاد کرده بودند معلوم نشد به کدام کمیسیون باید برود.

مدرس - بکمیسیون استخدام
شیروانی - بکمیسیون استخدام

رئیس -- (خطاب به آقای رفیع) خودتان به کدام کمیسیون پیشنهاد میکنید؟
حاج آقارضا رفیع - مانعی ندارد به کمیسیون استخدام برود؟

رئیس -- بسته به رأی مجلس است

حاج آقارضا رفیع - بنده پیشنهاد میکنم برود به کمیسیون استخدام.

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی - این طرحی که ایشان پیشنهاد کرده اند بنده گمان میکنم يك موضوع حقوقی است و از حقوق مدنی مملکت است و مناسبتش با کمیسیون عدلیه بیشتر است برای اینکه اصل مدنی است و باید به کمیسیون عدلیه برود.

رئیس -- آقای مدرس

مدرس - این مسئله دخلی بحقوق مدنی ندارد. حقوق مدنی را در اینجا نمیشود الزام کرد. اما راجع به قانون استخدام میشود به نحویك شرطی در آنجا کنجانید که دولت مأمورینی را که اختیار میکند دارای این خصوصیت باشند مثل سایر خصوصیات. لهذا به عقیده من آقایان تأمل فرمایند خوب است برود به کمیسیون استخدام تقیاً یا اثباتاً تکلیفش معلوم شود.

رئیس -- مخالفی ندارد؟

(جمعی گفتند خیر)

رئیس -- مراجعه میشود به کمیسیون استخدام. خبر کمیسیون بودجه راجع باضافات فواید عامه مطرح است. آقای اعتبار
اعتبار - بنده پیشنهادی راجع بدستور عرض کرده بودم. اجازه میفرمائید؟
رئیس -- بفرمائید.

اعتبار - موضوعی را که بنده پیشنهاد کردم جزء دستور شود نظرم می‌آید حضرت آقای رئیس در جلسه پنجشنبه فرمودند جزء دستور است. در جلسه گذشته هم دستور تغییر نکرد در دستور امروز هم بنده ندیدم این لایحه را و حال آنکه خیلی لازم است. . . .
بعضی از نمایندگان - حاضر نیست.

اعتبار - چون شنیدم حاضر نشده استدعا میکنم مقرر فرمایند برای جلسه بعد حاضر شود که در درجه اول جزء دستور شود.

رئیس -- بر حسب تقاضای آقای رئیس الوزراء جزء

دستور شد بعد که تحقیق شد معلوم شد سه فقره خبر که از کمیسیونها راجع باین موضوع باید داده شود دو فقره اش داده شده و یکی باقی مانده هر وقت حاضر شد جزء دستور میسرود. پیشنهاد های راجع باضافات فواید عامه قرائت میشود پیشنهاد آقای دهستانی.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم چهار هزار تومان اعتبار مخارج تبلیغات بمصرف احداث يك رشته قنات در اراضی قابل زرع فیما بین طهران و قم برسد که ایجاد يك قریه زراعتی بشود رئیس -- آقای دهستان

دهستانی - عرض کنم چهار هزار تومان در این بودجه اضافی برای تبلیغات فلاحی منظور کرده اند مطابق تجربه که بنده دارم این تبلیغات به ضرر این مملکت است برای اینکه هیچ فراموش نمیکنم که يك مقداری به اصطلاح کتن از روسیه به این مملکت آوردند و يك نمایشانی دادند. گمان میکنم بانصد هزار تومان از این مملکت پول گرفته شد و هیچ استفاده نشد. از جمله شاعرزاده محمد ولی میرزا هفتاد تومان، بنده صد تومان خریدیم خدا را شاهد میگیرم که این يك کرور تومانی که برای اینها داده شد بدرد نخورد و تمام آنها برای پشت در طویله ها بکار رفت که گاو ها بیرون روند بنده تصور میکنم بهترین تبلیغ برای فلاح عمل فلاحی است. و هیچ ضرری ندارد این چهار هزار تومانی را که میخواهند خرج کنند که حرف زده شود صرف يك رشته قنات بین طهران و قم بشود، از حسن آباد که انسان میگردد يك رهونی است ممکن است آنجا را آباد کنند که هم ارزاق مردم نامین میشود و هم گمان نمیکنم هیچ تبلیغی در مملکت بهتر از این کار باشد. بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که این چهار هزار تومان خرج قنات بشود

شیروانی - این يك عادتی شده است کم کم برای ما که اصل يك موضوعی را با طرز سوء جریانش اشتباه

میکنیم. مثلاً ادوات جدید زراعتی که امروز در تمام کره ارض غیر از ایران معمول است و تمام دنیا از آن استفاده میکنند برای اینکه شاید یکی از آنها شکسته بوده و در فلان ده نتوانسته بودند از آن استفاده کنند یا اینکه معلومات استفاده کردن از آنها را نداشته اند آنوقت، میرویم روی این اصل که مثلاً خیش جدید غلط است و باید همان خیش های زمان نوح رادست بگیریم و زراعت کنیم! در صورتیکه دنیا از آن استفاده میکنند و اینطور هم نیست که همه دنیا اشتباه کرده باشند فقط بنده و جنابعالی فهمیده باشیم تبلیغات زراعتی بالاخره برای همین است که از آن خیش سوء استفاده نشود. تبلیغات فلاحی برای این است که آن بیابان برهونی که با چهار هزار تومان که سهل است با چهل هزار تومان هم نمیشود برای آنجا آب پیدا کرد با همین تبلیغات برای آنجا آب پیدا شود در این مملکت تولید جنک و اشجار بکنیم وقتی در بین طهران و قم جنک تولید شد در همان بیابان برهوت آب پیدا میشود و الا با چهار هزار تومان که چهار تا حلقه چاه آنجا زده شود آب آنجا درست نمی شود و دلیلش هم این است که در هر کجای این مملکت امید بود آب هست میبینیم قنوات هم بقدر کافی هست و در هر کجا که نیست خیلی مأیوس بوده اند که بتوانند آب پیدا کنند. ملاحظه فرمائید در اطراف کاشان یا یزد یا کرمان بالاخره مردم مجبور شده اند متوسل به چاه های هشتاد ذرعی و نود ذرعی بشوند برای اینکه چند مقال آب از آن چاه ها بیرون بیاورند. اینها طریق آب تهیه کردن نیست. برای تهیه کردن آب باید با وسائل علمی تولید هوای مرطوبی و بالاخره تولید جنکها نمود و اینهم در نتیجه تبلیغات است و الا با این وسائل آب پیدا نمیشود

آقا سید یعقوب - بنده عقیده ام این است در این پیشنهاد نتوان رأی گرفت پیشنهاد خرج است

رئیس -- پیشنهاد خرج نیست پیشنهادی است از يك

محلې بيك محل ديگر

آقا سید یعقوب - اجازه می فرمائید يك عرضی بکنم؟

رئیس -- عضو کمیسیون که هستید فرمائید

آقا سید یعقوب - اینکه عرض کردم پیشنهاد خرج است. مطابق نظامنامه عرض میکنم. ماده نظامنامه صریح است و بنده به صراحت آن عقیده دارم. گرچه آقای شیروانی رفیق بنده عقیده دارند که در موقع احتیاج باید قوانین را زیر پا گذاشت ولی در اینجا نباید زیر پا گذاشت. اساساً در نظامنامه که نوشته اند وکیل نباید پیشنهاد خرج بکند برای این است که فردا من پیشنهاد نکنم فلاقتدر برای شیراز دیگری برای خمسه دیگری برای جای دیگر خرج شود که بکوقت ببینیم تمام وکلا برای ولایات خودشان پیشنهاد اضافات کرده اند آنوقت شما که مبرزتر هستید بیشتر بنده کمتر خواهیم برد اساساً اینطور که بنده فهمیده ام يك فلسفه اینست که وکیل حق پیشنهاد خرج ندارد این بوده است. يك فلسفه دیگرش این بوده است که خرج کردن برای مملکت بعهده قوه مجریه است نه بعهده قوه مقننه قوه مقننه حقی که دارد همان نظارت در اعمال قوه مجریه است که پول را هدر نهد و خرج زیاد نکند در اینجا که آقا پیشنهاد کرده اند راجع به کسر خیلی خوب است نماینده حق پیشنهاد کسر خرج را دارد اما اینکه از این محل کسر شود و به محل دیگر خرج شود گمان میکنم برخلاف نظامنامه باشد. حالا ممکن است مقام ریاست فرمایند میتواند ولی بنده عقیده ام این است این از وظائف قوه مجریه است که تشخیص بدهد این خرج برای اینجا لازم است یا نیست. آقای دهستانی که مسؤل بنده نیستند. احداث قنوات یا احیاء اراضی مسؤلش وزارت فواید عامه است و او باید تشخیص بدهد که کجا لازم است نه آقای دهستانی از این جهت بنده عرض کردم که پیشنهاد خرج است

و در عهده ما نیست که بتوانیم پیشنهاد کنیم. بعهده وزارت فواید عامه است

رئیس -- عده کافی نیست اگر اجازه فرمائید چند دقیقه تنفس میشود.

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- باید رأی گرفته شود به پیشنهاد آقای دهستانی.

دهستانی - بکمرتبه دیگر قرائت شود.

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس -- آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر فقره بیست و هشت در صفحه چهار اضافه شود (برای مؤسسات نه اشخاص)

رئیس -- آقای بامداد

بامداد - این قلم يك صرفه جوئی بود و وزارت فواید عامه خواست این صرفه جوئی را برای خودش حفظ کند که جزء صرفه جوئیهای عمومی به خزانه برنگردد این بود که در کمیسیون اینطور قید شد. بنده هم مخالف نیستم که این اعتبار برای وزارت فواید عامه حفظ شود ولی معتقد هستم که در اینجا قید شود که این اعتبار صرف مؤسسات بشود نه اینکه خرج پرسنل و اشخاص بشود. حالا بسته است به رأی مجلس.

رئیس -- آقای یاسائی

یاسائی - اعتباریکه معمولاً از طرف وزارت مالیه جهة وزارتخانه ها برای يك سال معین میشود این اعتبار را وزارتخانه ها مقیدند برای خودشان حفظ کنند یعنی

۵۶ از برای تأسیس منازل جنگلبانان.

رئیس -- آقای مدرس

مدرس -- اگر آقایان ملاحظه بفرمایند آن قسمت اخیر نوشته است يك مبلغی بجهت اجاره کردن منزل برای جنگل بانان (خطاب به مخبر) وجهش چقدر است؟

مخبر -- دویست و چهل تومان.

مدرس -- دویست و چهل تومان اجازه داده شده است که برای جنگل بانان منزل اجاره کنند خانه های جنگلی را ندیده اند که وضعیانش چه قسم است. به گمانشان آنجا هم مثل خیابان لاله زار است که ماهی بیست تومان، سی تومان، اجاره بکنند. غفلت دارند از اینکه خانه های جنگلی اصلاً قیمتش ۲۵ قران است. از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این را تبدیل کنند بتأسیس خانه برای جنگل بانان نه اجاره کردن خانه برای آنها.

مخبر -- اگر آقای مدرس هم موافقت بفرمایند که هر دو کلمه نوشته شود بنده هم موافقم با پیشنهاد آقای برای اینکه در بعضی جاها اگر موفق بتأسیس نشدند اجاره کنند.

مدرس -- حرفی ندارم.

رئیس -- پیشنهاد آقای بامداد.

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در صفحه شش فقره بیست حذف شود.

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- عرض کنم چنانچه در کلیات هم عرض کردم يك لایحه از طرف وزارت فواید عامه آوردند راجع به متخصص جای کار بنام پسر پروتوای گل فروش و ما رد کردیم. بعد شنیدم گفتند تبعه ایران شده است خیال کردم که بازم این قسمت که نوشته شده است همان پسر پروتوای است باین جهت این پیشنهاد را کردم ولی بعد که ملتفت شدم کاشف السلطنه است با ایشان کاملاً موافقم

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- اولاً میخواهم عرض کنم بودجه وزارت فواید عامه به مجلس نمی آید انوقت اضافات می آید انهم اضافات سال گذشته من تعجب می کنم که چرا بودجه را نمی آورند بفهمیم بودجه چقدر است که اضافاتش را تصویب کنیم اگر الان از بنده بپرسند بودجه فواید عامه چقدر است بنده نمیدانم انوقت اضافات را چطور رأی بدهم؟ انسان وقتی که اصل را نداند چطور میتواند در فرعی رأی بدهد؟ این برخلاف عقیده بنده است و عقیده ام این است که اول بودجه بیاید، وقتی که تصویب شد اضافات را بیاورند از این گذشته در اینجا آمده اند چهار صد تومان حقوق بعنوان سال گذشته برای فلان رئیس نوشته اند ما نمیدانیم حق داشته، نداشته، چه ترتیب بوده؟ نمیدانیم به چه رأی میدهیم. از هیچ جا خبر نداریم. چون بنده خبرنگارم نمیتوانم رأی بدهم. خوب است توضیح بدهند اولاً چرا بدون اجازه مجلس این خرج را کرده اند؟ بعلاوه ما که بودجه را ندیده ایم چطور میتوانیم به این اضافات رأی بدهیم؟ از اینجهت بنده مخالفم.

مخبر -- توضیحات در این باب شاید در این چند جلسه بیشتر از ده مرتبه داده شده حالا بسته بنظر مجلس است

رئیس -- رأی میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای

فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند.

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر ایشان.

(مضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد می کنم که ماهی یکصد تومان حقوق عضو برسنل هر ماهی پنجاه تومان کسر شود.

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- در این باب عرض میکنم چه شده است هر کس داخل در ادارات باشد باید حقوقش زیاد باشد

و ایشان اول کسی هستند که جای به ایران آوردند و هر چه از آقان برسدیم پسر پروتوای کدام قلم است جواب به بنده ندادند و چون این قلم مربوط بکاشف السلطنه است پیشنهاد خودم را مسترد میکنم

رئیس -- پیشنهاد آقای دکتر سنک

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم از نمره ۲۳ الی ۳۱ و از ۴۹ الی ۶۵ که مربوط بجنکلی است حذف شود

رئیس -- اینرا رأی دادند و قابل توجه شد همینطور

پیشنهاد آقای آقاسید یعقوب و آقای جشیدی. پیشنهاد آقای دشتی قرائت میشود

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم چهار هزار و هفتصد و شصت قرانی که در صفحه چهار نحت رقم ۲۸ ضبط است و در سنه ۱۳۰۵ خرج نشده است مخصوص اعزام شاگرد باروبا برای تحصیل فلاحت شود

رئیس -- آقای دشتی

دشتی -- بنده توضیح زیادی ندارم، همانطوریکه يك روز آقای تقی زاده فرمودند این چیزهایی را که ما تصویب میکنیم و رأی میدهیم خوب است يك کفاره در مقابلش داشته باشیم. آقایان نمایندگان تصدیق میکنند که ما در تمام شعب فنی محتاج به متخصص هستیم و این از وظائف وزارت فواید عامه است که از اغلب شعب بفرستند و این چهار هزار تومان و کسری هم محل خرج ندارد. از این حیث ممکن است آنرا تخصیص بدهند برای فرستادن شاگرد به اروپا اشکالی هم ندارد

مخبر -- بنده از طرف کمیسیون قبول میکنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(بشرح آتی خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که حقوق چهار ماهه رئیس شعبه اموال که چهار صد تومان بوده باشد حذف شود

وقتی که يك میلیون اعتبار جهت پست و تلگراف پیش بینی کردند وزارت پست و تلگراف مکلف است آنرا حفظ کند برای احتیاجاتی که وزارتخانه دارد زیرا هر روز وزارت مالیه از نقطه نظر اینکه مسؤل است نمیتواند با مخارج موافقت کند. راجع به این اعتبار در اثر موافقت کمیسیون بودجه يك مبلغ از اعتباریکه وزارت مالیه موافقت کرده بود در هزار و سیصد و پنچ برای فواید عامه وزارت فواید عامه درخواست کرد محفوظ بماند و در بودجه ۱۳۰۶ يك تکلیفی برایش معین کنند. این رأی که ما الان میدهیم فقط میخواهیم این اعتبار را برای فواید عامه حفظ کنیم و در بودجه ۱۳۰۶ این مبلغ تکلیفش معلوم شود که به چه مصرف خواهد رسید و بودجه اش بیاید بمجلس و ما تکلیفش را معین کنیم. و اما اینکه فرمودند خرج برسنل نشود و خرج مؤسسات بشود بنده نمیدانم چگونه میشود مؤسسه تأسیس کرد بدون این که مستخدم داشته باشد؟ مقصود از مؤسسات عمارت و قالی و میز و قلم و دوات که نیست. مقصود اشخاص است. این پیشنهادی که حضرتعالی فرمودید خرج مؤسسه بشود نه اشخاص بنده هنوز مؤسسه بدون اشخاص نمیتوانم تشخیص بدهم خواهش میکنم فعلاً موافقت نکنید که این اعتبار برای وزارت فواید عامه بماند و در بودجه تفصیلی ۱۳۰۶ تکلیفش معلوم میشود.

مخبر -- بالاخره خرج این اعتبار میآید و بنظر نمایندگان محترم میرسد. البته اگر اضافه واجب و این چیزها بود موافقت نخواهند فرمود.

رئیس -- رأی گرفته میشود به قابل توجه بودن

این پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدرس

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم فقره آخر لایحه بعبارت ذیل تبدیل

شود.

و هرکس خارج از ادارات باشد از گرسنگی بمیرد؟ عضو پرسنل ماهی صد تومان حقوق!! آخر چرا؟ بکطوری باید کرد که ملت هم يك توجهی به این دولت داشته باشد. خدا شاهد است من خودم را دوست دولت می دانم که این عرایض را عرض می کنم. مقصودم این است که ملت از دولت متنفر نشود. به این نظر مخالفت میکنم تا انشاء الله به مقصود خودم برسم که بین ملت و دولت و سلطنت همیشه خوب باشد و کدورت و دوئیت نباشد. چون این نظر را دارم با این اضافات و این حقوقهای گزاف مخالفم. و عقیده دارم زندگانی آنها هم شبیه زندگانی مردم بشود. آنها با آن حقوقهای گزاف و سایر مردم بدبخت روزی سه قران هم گیرشان نیاید این چیز غریبی است!! از این جهت بنده پیشنهاد کردم صد تومان حقوق عضو پرسنل پنجاه تومان بشود.

مخبر - این شخص حقوق رتبه اش را میگیرد بسته بنظر مجلس است

رئیس - آقای باسائی

باسائی - اگر چه میترسم مورد حمله آقای فیروز آبادی بشوم ولی عرض میکنم مطابق قانون استخدام هر کس رتبه پنج را دارا باشد نود و دو تومان حقوق میگیرد. حد اقل آن و حد اعلاى آن صد و هفت تومان و حد وسط آن صد تومان است. نظرم میآید که حد اعلی منظور کرده بودند و ما حد وسط را گرفتیم و هفت تومان کسر کردیم. در هر صورت تا موقعیکه این شخص مشغول خدمت است مطابق قانون استخدام باید این حقوق را باو داد. اگر بمفرمائید دولت حقوق انتظار خدمت باو بدهند شما راضی نشوید که حقوق بجائی داده شود مطابق قانون دولت ناگزیر است بدهد. پس البته سر کار باشد بهتر است. مادامیکه قانون استخدام قانونیت دارد باید حقوق این اشخاص را مطابق قانون به آنها داد.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل

توجه میدانند قیام فرمایند.

(معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد سوم ایشان

(بترتیب ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که خرج سفر و علیق اسب که دو هزار و دویست و بیست و هشت تومان می باشد حذف شود.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عرض کردم از اول تا آخر این لایحه را مخالفم ولی چون نمیتوانم بکمرتبه مخالفت کنم این است که قلم به قلم پیشنهاد میکنم. حالا آقایان رأی نمیدهند ندهند ولی بالاخره بکوقت معلوم خواهد شد که عرایض من درست بوده است. اما این خرج سفر. در سابق معلوم نیست سفری بوده است یا نه؟ اینها دیگر چه سفری میکنند؟ که باید آن قدر حقوق بهشان داد. آخر این مال مردم است. مال بیت المال مسلمانین است یا مالی است که از مردم گرفته میشود. اینطور نمیشود با قدمهای بلند و سریع نوبی مال مردم دوید. باید کمال دقت و ملاحظه را در خرج کردن مال مردم نمود و بیخود به يك اشخاص نبخشید.

رهنا - (معاون ریاست وزراء) - راجع به این قسمت آقای فیروز آبادی فرمودند که من اساساً معتقدم که این بودجه زائد است بنا بر این در هر قلمش يك پیشنهاد میدهم اگر اینطور باشد باید صد و کسری پیشنهاد داده شود. ممکن است اقا راجع به همه اقلام يك مرتبه يك پیشنهاد حذفی بدهند و الا اینطور قلم قلم پیشنهاد دادن و در هر يك توضیح دادن تصدیق میفرمایند بیش از دویست و پنجاه تومانی که برای خرج مسافرت در نظر گرفته اند در این مدت خرج مجلس خواهد شد. بنابراین ممکن است آقایان در این اقلام توجهات خودشان را بفرمایند و اگر چیزی بنظرشان

زائد آمد پیشنهاد بفرمایند. اگر قابل قبول باشد قبول میشود و الا اینطور پیشنهاد دادن تصدیق میفرمائید. اسباب تضييع وقت است

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجهش میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای معتضد استرآبادی

(بنحو ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ۲۳۳۹ تومان بودجه جنگل از لایحه اضافات فواید عامه حذف شود.

رئیس - این هم موردی ندارد - قابل توجه شد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم اضافه اعتبار صدی دو از بودجه اضافات کسر شود.

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - اولاً يك جوانی با آقای رهنا عرض کنم. آقا: تمام پول ها را میگیریم برای همین مجلس يك كرور در سال خرج میکنند برای چه؟ برای نظارت. نظارت در چه؟ نظارت در يك تومان. پیشنهاد هم باید بدهیم ولو در پنج قران باشد. این جا آمده ایم برای همین کار. جنباعالی دارای اداره هستید یکسفر محاسب می آورید ماهی هزار تومان خرجش است و يك نظری می آورید برای کار او یا ماهی فلان قدر. برای چه؟ برای نظارت. ما آمده ایم برای این کار و باید در این باب با فشاری کنیم حق ما نظارت در جمع و خرج است. دولت هم باید کاملاً ملتفت باشد که وضع مجلس برای این کار است. برای این نیست که بودجه نوشته شود و يك دفعه بیاورند در مجلس و همینطور که نازه در کمیسیون بودجه باب شده است در مجلس هم رأی بدهند

الحمد لله در کمیسیون بودجه همان نظر شما تعقیب میشود حالا بنده برای توجه دادن نظر آقای بیات که يك فرمایشی در جواب آقای فهیمی فرمودند و هم به آقای شبروانی که مخبر مبرزی است و گاهی بیخی و بی الله مغالطه میشود عرض میکنم: در قانون بودجه ۱۳۰۴ نسبت به صد و دو (بنده الان فرستادم از اداره تقنینیه آوردند) این را بعرض آقایان میفرستادم انوقت توجه بفرمایند که وزراء در ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ بکلی این ماده را پایمال کرده اند و داخل در يك اصل دیگری شده اند و این صد و دو را مثل يك ملك شش دانگ بدون حساب مسلمی فرض کرده اند. این صد و دو را کسی درش حرف ندارد مثل يك اصل مسلم هر ساله وزراء است که نباید در بودجه بیاید. آقای بیات میفرمایند در صد و دوم کسی حرف میزند؟! ماده پنج راجع بصدی دو به بینید چه چیز است: (هر يك از وزارتخانهها باید در بودجه پیشنهادی صدی دو از اعتبار مختصه خود را برای مخارج غیر مترقبه تخصیص بدهد) پس صد و دو يك اصل مسلمی نشد که بیایند در هر جا ذکر کنند. در بودجه يك قلمی دارند نوشته شده صد و دو برای مخارج غیر مترقبه. خوب این هم که غیر مترقبه میشود باز صدی دو میخواستیم (آخوندی نمیگویم) باز صدی دو برای مخارج غیر مترقبه. خوب اینهم عنوان مخارج غیر مترقبه پیدا میکنند باز يك صدی دو برای مخارج غیر مترقبه لازم است. اینهم از بیانات میسیون امریکائی بود که این عنوان را کردند که ما باید ملاحظه کنیم که شاید دولت ها در بودجه پیشنهادی خودشان مجبور شدند بتوانند يك مخارجی بکنند و يك صدی دو اعتبار ما باین ها میدهیم که آن مخارج غیر مترقبه که در این بین پیدا میشود دستشان بسته نباشد از صد و دو بپردازند بعد بیایند در قانون تفریع بودجه آن را عنوان کنند. حالا وزارتخانهها این صد و دو را مثل يك رتبه اشل قرار داده اند نه اینکه يك رتبه سی و

و دو تومانی هست؟ این صدی دوم همانطور است. می نویسد مخارج غیر مترقبه چهار هزار تومان. آنوقت صد دو آن مخارج غیر مترقبه چقدر می شود؟ مثلاً دو بیست تومان میشود. اینکه جزء مخارج غیر مترقبه شد باز يك صد دو میخواهد. این همینطور دور و تسلسل پیدا میکند و هی میشود مخارج غیر مترقبه و بکلمه علمی آنها ندارد. اما اینجا اضافات محدود است. خود آقایان ملاحظه کرده اند خود آقای رهنا که حقیقه شخص منصفی هستند. خودشان که بودید دیگر هیچ چیز را فروگذار کرده اید؟ حتی آن شخصی که در جنگل است و میخواهد سیگار بکشد و محتاج به کبریت میشود آن دانه کبریت او را هم نوشته اند اگر بخواید برود فلانجا قلیان بکشد آن را هم نوشته اند. دیگر مخارج غیر مترقبه میباشد که ما برای آن صد دو اختصاص بدهیم؟ در این لایحه ماهی شصت هزار تومان قائل شده اند. این شصت هزار تومان اصلش اضافه است و غیر مترقبه است آنوقت دوازده هزار تومان برای این شصت هزار تومان اضافه میکنیم همینطور می رود بالا الی غیر النهاية. پس همانطور که عرض کردم عقیده بنده مطابق این ماده پنج که خواندم در اصل بودجه پیشنهادی دولت باید صد دو برای مخارج غیر مترقبه باشد نه در بودجه اضافی که تمام مخارج را تحت افلام در آورده اند. و دیگر چیزی باقی نمانده است که ما بیائیم صدی دو برای آن قائل شویم و دوازده هزار تومان بعنوان صد دو قرار دهیم... مدرس - اصل اضافات باید از محل صد دو باشد آقای سید یعقوب - بله اصل اضافات باید از صدی دو باشد این است که بنده پیشنهاد کردم این دوازده هزار تومان که بعنوان صد دو آمده است این جا کسر شود. این هم دلیل من بود. اینهم اصل قانون که در دستم است

مخبر - يك قسمت از فرمایشات رفیق محترم بنده اگر

کازرونی - شما نمیگذارید والله جواب حسانی بهش بده.

مخبر - اجازه بگیری بعد حرف بزنی...

رئیس - آقای کازرونی: خیلی حرف میزنی.

مخبر - بنده تصور میکنم که دارندگان این فکر آقای آقا سید یعقوب جزء آنها نیستند و خودشان علاقه مند باصول حکومت ملی هستند و میدانند که این وضعیت خطرانی متوجه مملکت و مجلس خواهد کرد. اما راجع بصدی دو: بنده خیلی مشغولم که خود آقای آقا سید یعقوب این دقت ها را میفرمایند و فرستادند قانون را آوردند و بآن مراجعه فرمودند و خودشان قانون موضوعه را خواندند و دیدند که صدی دو يك موضوع قانونی است. صدی دو يك چیزی است که تمام دوره ها برای هر بودجه تصویب کرده ایم و در وزارت مالیه هم خودشان مسبقاً گفته اند که نا آن دینار آخر رسیدگی میشود و در قسمت هر وزارتخانه ناسند خرج از او نگیرند و خرجهایش مسلم نباشد نمی پردازند و اگر چیز زیادی هم باشد جزو صرفه جوئی ضبط میشود و برای اینکه فرمودند دور تسلسل پیدا میشود ناچارم عرض کنم صدی دو نسبت به تمام این بودجه ها برای مخارج غیر مترقبه است و هیچ تسلسل هم پیدا نمی کند و بالاخره اگر موافق نیستند که صدی دو جزو این اضافات تصویب شود باید پیشنهاد بفرمایند که صدی دو حذف شود اما اینکه یاد آوری بکنند که برای هر امری و برای هر يك قلمی بعنوان اینکه ما حق نظارت داریم و میتوانیم اینطور پیشنهاد کنیم بنده تصور میکنم بالاخره مجلس بدنام شود

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای آقا سید

یعقوب آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - قیام توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز

آبادی.

مذاکرات مجلس

بنده پیشنهاد میکنم که چهار صد تومان حقوق بکنفر حشره شناس و دو بیست و چهار تومان حقوق معاون حشره شناس کسر شود.

رئیس - بفرمائید

فیروز آبادی - چنانچه همیشه عرض میکنم خودم خجالت میکنم از آقایان و تماشاچی ها که بودجه نیامده و اضافات آمده است يك قلم چهار صد تومان برای حشره شناس و حقوق معاون حشره شناس معین کرده اند در صورتیکه ما اصل حشره شناس را لازم نداریم که محتاج بمعاونش باشیم. شما نسبت به رعیت با عدالت رفتار کنید خودش بهتر از همه زراعت میکند. ظلم نشود و حقوق آنها بهشان داده شود هیچ لازم نیست که حشره شناس باشد ششصد تومان یا ششصد و چهار تومان در سال گذشته دادیم به حشره شناس چکار کردند؟ اگر چه کم کم يك حسی در مجلس شورای ملی پیدا شده و امیدوارم انشاء الله بیش از این قوت بگیرد که حقوق ملت را محترم بشمارند و بیش از این نگاه دارند هر چند چندی قبل آقای دشتی يك چنین مذاکره کردند که بنده خیلی متشکر شدم از ایشان و همینطور بعضی از آقایان دیگر هم فرمودند و از آن آقایان هم ممنونم و اظهار تشکر میکنم و امیدوارم دیگران هم این رویه را تعقیب کنند و ملت را راضی نمایند و بذل و بخشش بیمورد نکنند اما ششصد و چهار تومان حقوق حشره شناس در سال یعنی چه؟ این چه کرده؟ باز سال اگر ششصد قاز کار کرده است آنوقت باو بدهند. چرا اصلاً این چیزها را به مجلس پیشنهاد میدهند که انسان مجبور شود يك چنین حرف هائی را بزند؟ اگر احترام مجلس را میخواهند. احترام خودشان را میخواهند این پیشنهادها را به مجلس نکنند. مجلس وقتش محترم است و باید بيك کاری برسد که مثلاً صد اهواز را ببندند نه اینکه هی خرج خرج!! خرج حشره شناس آخر باید خجالت کشید و اینها را به مجلس نیاورد.

معاون وزارت فوائد عامه - موقعیکه شور در کلیات این لایحه بود بعضی از آقایان يك توضیحاتی راجع به حشره شناس و معاونش از بنده خواستند و بنده هم توضیحاتی عرض کردم و گمان میکردم که آقای فیروز آبادی کاملاً قانع شده اند و دیگر این پیشنهاد را نمی فرمایند. اما اینکه میفرمایند ما محتاج به حشره شناس نیستیم. یعنی حشرات هر جا هستند بیایند و هر چه دلشان میخواهند بکنند! (خنده نمایندگان) این را که گمان میکنم هیچکس موافق نیست اهل مملکت هم راضی نیستند الان در شیراز. در مازندران در کرمان و در یک قسمت از نقاط عمده مملکت ملخ دارد خسارت وارد میآورد من جمله در دماوند. اگر حضرت عالی تشریف می آوردید بوزارتخانه بنده کاغذ اهالی دماوند را بشما ارائه میدادم که در آن قسمتی که ملخ بوده و رفته اند معدوم کرده اند آن وقت این اعتراض را نمیفرمودید. امروز روزی نیست که ما منکر علم و معلومات و منکر اشخاصی که تحصیل کرده هستند باشیم نمیتوانیم بگوئیم حشره شناس و متخصص فلاحت و متخصص آبیاری لازم نداریم. و وقتی هم که حشره شناس میآوریم معاون هم لازم دارد. اداره هم لازم دارد. سم هم میآوریم و تمام چیزهایی هم که برای بر انداختن حشرات لازم است خواهیم آورد و پولش را هم یقیناً مجلس شورای ملی با کمال خوب و خوشی رأی خواهد داد و این خرج حشره شناس پولی است که برای زارعین خرج میشود. این خرج حشره شناس و معاون حشره شناس یعنی چه؟ بنده معاون حشره شناس را حالا معرفی میکنم برای جناب عالی. آقا میرزا جلال الدین خان افشار است که تحصیلات خود را در روسیه کرده است و یکی از علمای ایران است. اگر تشریف می آوردید بمدرسه فلاحت. اگر تشریف می آوردید به انستیتو پاستور. اگر تشریف می آوردید به اداره فوائد عامه و بالاخره در هر يك از این قسمتها که میآید می دیدید که برای

منشأ این حرف ها چیست؟ ناشی از چیست؟ گاهی میروم طرف انجمن! گاهی میروم روی آزادی! گاهی حزب! گاهی دسته و گاهی تیپ! و گاهی توپ و تفنگ و گاهی تشر! در صورتیکه بایستی از روی دلیل طرف را متقاعد کنیم. آخر حرفهای خارج از موضوع رفتن به اروپا. به زمین. به شرق. به غرب در مقابل يك کسی که اظهار عقیده میکنند لزوم ندارد. اینها باید باشد در موارد دیگر. جای دیگر. باید مجلس شورای ملی را احترام کرد بنده عقیده داشتم بعد از اینکه رأی داده شد صورت مشروح مذاکرات مجلس طبع شود يك قدری احتیاط میکنیم در نقطه های خودمان و منطق هایمان را قوی تر میکنیم بنده مخصوصاً توصیه میکنم که ما این مذاکرات مشروح مجلس را در موقع بیکاری بگذردی مرور کنیم که این خودش درس عبرت باشد برای ما (بعضی از نمایندگان - صحیح است) بله صحیح است. پیشنهادی که بنده کرده ام راجع به صفحه پنج در خصوص عضو فنی است. دو نفر عضو فنی بود و دو تومان. عضو فنی يك کله ایست که بر حسب سابقه که داریم می بینیم در مواقعی استعمال شده است که حتی شامل مستخدمین جزء هم شده است بنده غرضم از این پیشنهاد این است که يك توضیحاتی بدهند که این عضو فنی چیست؟ و هم چنین در صفحه ۶ قلم ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ مینویسد عضو فنی سه نفر نفری صد تومان. باز بکنفر جای کار عضو فنی ...

بعضی از نمایندگان - چای کار عضو فنی. نه جای کار کازرونی - چای کار. یعنی چاهی کار؟

خطیبی - چای کار

کازرونی - چاهی کار؟ بسیار خوب. بنده عقیده ام این است که بایستی بودجه کل مملکت را به مجلس بیاورند و ما باید جمیع اقلام را در نظر بگیریم و تطبیق بکنیم مخارج وزارتخانه ها را با عایدات کل آنوقت با رعایت تناسب هر چه را باید تصویب کنیم بکنیم و هر چه باید رد کنیم رد کنیم. لیکن بنده می بینم امسال

بجای بودجه اضافات به مجلس می آید در صورتیکه مانعیدانیم اصلش کجا است و چیست؟ این اضافات با اصل چه رابطه دارد آیا با بودن آن اصل جا دارد که ما این اضافات را تصویب کنیم یا جا ندارد؟ در هر صورت بنده هر چه میخواهم حقیقه این مسئله را پیش خودم حل کنم جز اینکه میفرمایند اگر این را تصویب نکنید ما بودجه نخواهیم داشت چیزی نمی فهمم.

معاون وزارت فوائد عامه - آقای کازرونی راجع بقسمت عضو فنی که در اینجا نوشته شده است مخالفت فرمودند عرض میکنم عضوهای فنی يك اشخاصی هستند که در رشته های فلاحت کار کرده اند و باید يك خدمات معینی را در اداره فلاحت بعهده بگیرند یا در خارج مأمور شوند و خدمات خود را انجام دهند. بودجه برای شخص نوشته نمیشود که بگوئیم ما میخواهیم بفلاتکس حقوق بدهیم. بودجه نوشته شده برای احتیاجات يك اداره. در تمام مملکت میگویند ما اداره فلاحت نداریم و البته باید سالی يك میلیون سیصد چهار صد پانصد هزار تومان خرج فلاحت ایران بشود. وقتی بناسد فلاحت ایران را ترقی بدهیم بدست بنده و جنابعالی که نمیشود. يك عده متخصص لازم دارد که بتوانند در رشته های مختلف و يك کار هائی را انجام بدهند. فرض کنید يك کسی متخصص است در قسمت تربیت حیوانات اهلی. از این شخص فقط همین کار را میخواهند يك کسی همین طوری که آقا فرمودند متخصص در حشره شناسی خواهد بود البته او متخصص در آن قسمت بخصوص است. دیگری متخصص در قسمت قند سازی است. دیگری متخصص در قسمت نباتات است البته این اشخاص که الان در اداره فلاحت مشغول خدمت هستند حالا نمی توانم یکی یکی عرض کنم فقط دو سه نفر هستند که تحصیلات خودشان را در آلمان و امریکا و فرانسه تمام کرده اند و هر کدام از اینها خوردشان یا خانواده شان یا پدرشان ده بیست هزار تومان خرج اینها کرده اند

تا اینها توانسته اند در رشته های مختلفه باین مملکت خدمت کنند و وقتی که اینها وارد این مملکت شدند ما باید از وجود اینها استفاده کنیم در کجا باید استفاده کنیم؟ در اداره فلاح. البته اگر بکنفری رفت در آلمان در امریکا، در فرانسه و فهمید که چه جور بایستی يك كوسفندی را تربیت کرد. پشم یعنی چه؟ اقسام پشم کدام است؟ اگر ما بخواهیم پشم خوب در ایران داشته باشیم پشم کدام کوسفند است بهتر است؟ البته این نظریات آقایان برای دوره های قدیم ایران خوب بود ولی دوره هائی که در آنجه در جلو ما است اینها فایده ندارد. بنده يك مثلی را برای حضرتعالی و آقای کازرونی و سایر آقایانی که با این بودجه مخالفت میکنند عرض میکنم که ببینند در فرانسه چه جور برای فلاح خودشان خرج میکنند. مثلاً حشره مودی بطوری که ملاحظه میفرمائید با يك دانه مو يك فیلو کسرا وارد فرانسه شد بعد از آنکه علماء جمع شدند دیدند که چاره اش این است که مو از امریکا بیاورند در فرانسه و تمام موهای فرانسه را بانها پیوند بزنند که همان انگور خودش را داشته باشد ولی مو امریکائی باشد. برای چنین کاری دولت فرانسه و مملکت فرانسه شش میلیارد طلا پول خرج کرد تا فیلو کسرا و آن خساراتی را که بملت فرانسه وارد کرده بود رفع کرد البته بنده هم میگویم برای جلوگیری از سن که سالی بیست میلیون سی میلیون خسارت وارد میآورد باید در بودجه يك میلیون منظور کنیم و خرج کنیم تا وقتی که سن را معدوم کنیم. برای مسئله ملخ که پارسال در مازندران در چند ده ملخ آمده فرستادیم سم آوردند و متخصص فرستادیم آنجا و در يك قسمت که بود معدوم کردند باید امروز مجلس شورای ملی صد هزار تومان، دو بیست هزار تومان در يك ساعت رأی بدهد که در کرمانشاه باخراسان بافارس یا جاهای دیگر که ملخ زراعت مردم را میخورد خرج کنند ولی وقتی که بودجه فلاح می آید مجلس و ما می بینیم اینهمه ناخت میآورند دولت هم میگوید پس معلوم میشود مجلس نظر مساعدی با بودجه فلاح

ندارد و نمیخواهد بيك بودجه که مناسب با وضعیت امروزه است رأی بدهد و از این جهت رعابای کرمان و فارس یا خراسان دچار بد بختی و صدمه آفات و سن و ملخ خواری خواهند بود. از آقای آقا سید یعقوب و آقای کازرونی و فیروز آبادی استدعا دارم که در این موضوع بیش از این بی لطفی نفرمایند و بهتر این است که تشریف بیاورند بوزارت فواید عامه و اگر مطالبی دارند در آنجا اظهار فرمایند تا در اینجا زیاد وقت مجلس تلف نشود و چنانچه عرض کردم تشریف بیاورید آنجا و در هر يك از این اقلام توضیحات بخواهید و بنده هم جوابی هم اگر دیدید حقیقتاً اقلامی بیفائده است بنده هم متقاعد میشوم زیرا بنده مثل حضرتعالی هیچ میل ندارم که پول این مملکت بی ربط خرج شود. و بانفاق اگر دیدیم يك پولهای زیادی خرج میشود رفع میکنیم. والا مذاکره در این جا جز اینکه وقت آقایان تضییع شود فائده دیگری ندارد.

رئیس -- رأی میگیریم. آقایانیکه پیشنهاد آقای کازرونی

را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای بامداد

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم اعتبار مخارج غیر مترقبه بر چهار هزار و هفتاد و شش تومان که برای اعزام محصلین تخصیص داده شده اضافه شود.

بامداد -- این مخارج غیر مترقبه برای ۱۳۰۵ است و حالا آخر خرداد است. یعنی آخرین ماه سال محاسبات عمومی هم گذشته در این صورت بر فرض که ما هم تصویب کنیم مالیه نخواهد داد پس این تصویب اثر عملی ندارد جز اینکه این تصویب فقط يك سرفه جوئی خواهد بود از این جهت بنده پیشنهاد کردم که این چهار صد و هشتاد تومان اضافه شود بر مخارج اعزام محصلینی که آقای دشتی پیشنهاد کرده اند و آقای مخبر هم قبول نمودند. چون این

پول از بین میرود و حیف است و بهترین مصرفی که ممکن است برسد همین است که برای اعزام محصلین بخارجه تخصیص داده شود که کمکی هم معارف شده باشد.

مخبر -- این مخارج غیر مترقبه را مالیه تعهد کرده و يك خرج هائی هم شده اگر بنا شود ما حالا این را رد کنیم و بعنوان دیگری پیش بینی کنیم. در واقع مثل این است که يك خرج دیگری تصویب کرده باشیم. آن مبلغی که آقای دشتی پیشنهاد کردند و بنده قبول نمودم در مقابلش تعهدی نشده بود و خرجی هم نشده بود ولی این قلم يك مخارجی است که در مقابلش يك تعهداتی شده و اگر نپرداخته اند بواسطه این بوده که انتظار تصویب مجلس را داشته اند. و چون ما نمیدانیم چقدر از این وجه خرج شده و چقدر خرج نشده که بعد در بودجه سال آتی ملحوظ شود و ما در لایحه تفریق بودجه پیش بینی کرده ایم آن مبلغی که خرج نشده باید صرفه جوئی شود از اینجهت از آقایان استدعا دارم بگذارند این لایحه بهمین ترتیب بگذرد

معاون وزارت فواید عامه -- در خصوص مخارج غیر مترقبه که آقای بامداد پیشنهاد کرده اند بنده هم خیلی میل دارم که قبول کنم ولی در بودجه ۱۳۰۶ هیچ اضافه ای ندادند و در واقع تمام اعتبار ما همین مبلغی است که در اینجا نوشته شده و حالا اگر بخواهید این قلم را هم برای يك کار دیگر اختصاص دهید آن وقت يك کار هائی که در وزارتخانه است لنگ می ماند این يك چیزی نیست که ما بخواهیم با فشاری کنیم البته اگر محتاج نبودیم موافقت میکردم استدعا دارم حضرتعالی هم پیشنهادتان را مسترد فرمائید

رئیس -- رأی گرفته میشود آقایانیکه پیشنهاد آقای

بامداد را تصویب میکنند قیام فرمایند

(معدودی قیام کردند)

رئیس -- تصویب نشد. پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب.

(باین عبارت خوانده شد)
پیشنهاد میکنم بودجه اعتبار دفع آفات حیوانی کسر شود.

(بعضی از نمایندگان شروع بتحصیل اجازه نمودند)
آقا سید یعقوب -- اولاً غیر از اعضای کمیسیون بودجه کسی نمی تواند جواب بدهد. پس بیخود تق تق نکنید. ذهن بنده هم باین چیزها مشغول نمیشود. آقای دکتر سنک شما نمیتوانید جواب بنده را بدهید بیخود بخودتان زحمت ندهید.

اما راجع باعتبار دفع آفات حیوانی آقای شیروانی يك اظهاری فرمودند که با منطق آقای شیروانی منافات داشت و بنده تعجب کردم. مخارج غیر مترقبه یعنی غیر موجود و معدوم خوب این مخارج غیر موجود و معدوم را چطور دولت تعهد کرده. چیزی که غیر مترقبه و غیر موجود است چطور میتواند تعهد کرد. ممکن است يك گرگی در جنگل مازندران پیدا شود! تصدیق میفرمائید که چیز غیر موجود و غیر محقق و غیر مترقبه را دولت نمیتواند پیش بینی و تعهد کند. پس این مطلب با آن بیان و منطق شما منافات داشت بنده آقای شیروانی -- رفیق صمیمی شما هستم. ولی در اینجا بشما تعرض میکنم و ایراد دارم آقای بیات معاون فواید عامه در اینجا میفرمایند فرانسه هفت میلیون خرج کرده. امریکا چهارده میلیون خرج کرده. اولاً بنده مکرر در اینجا عرض کرده ام که ما در ایرانیم. و در امور باید حدود احتیاجات مملکت خودمان را ملاحظه کنیم. فرانسه یا امریکا چه کرده ربطی ما ندارد. موضوع سر وزارت فواید عامه ایران است نه فواید عامه فرانسه این جا اداره فلاح ایران است نه اداره فلاح فرانسه! ثانیاً بتصدیق خودتان اگر آنها يك خرجی کردند اقلأ ما را از امریکا آوردند. ولی ندادند بشکم ما. بلکه برای آوردن ما و غرس آن خرج کردند. در هر حال يك کاری کردند. میفرمائید ملخ چطور! آقا بنده عرض میکنم رعابا پول دادند و يك من يك قران ملخ

خریده اند این دیگر حشره شناس لازم ندارد. خودشان فرستاده اند و رامین خورجین خورجین جوال جوال سن را گرفته اند و آتش زده اند. خود رعایا رفته اند سن را خریده اند؟ این چه ربطی بحشره شناس دارد. در فارس ملخ صحرائی و دریائی آمده است و تمام گرمسیرات ما را خورده است. آقای دشتی که نماینده دشتستان هستند میدانند آقای کازرونی و بنده همه اطلاع داریم. ملخ آمده در سرحد در بیلاقات و تمام آن نقاط را زیر و رو کرده است. آقای معاون فواید عامه: با بودجه چهار کروری يك ملخ در آنجا گرفته اید؟ هی میگویند بیا بودجه بگذران؟ برای که و برای چه؟ برای اشخاص در وزارت فواید عامه؟ آنوقت آقای بیات معاون محترم فواید عامه میفرمایند آقای آقا سید یعقوب آقای فیروز آبادی آقای کازرونی مخالفت نفرمائید. آقا ما باید کاملاً در اینجا نظارت کنیم. ولایت من از ملخ صحرائی و ملخ دریائی آتش گرفته يك نفر هم بشما اطلاع نداده آنوقت چطور بنده می توانم باین بودجه رأی بدهم؟! بنده از بد بختی فارس هنوز در این جا صحبت نکرده ام. ملخ تمام کوه گیلویه و دشتی و دشتستان را زیر و رو کرده است. خوب آیا باین ترتیب يك نفر را روانه کرده اند و در آنجا کار مفیدی کرده اند؟! چرا! خود رعایا رفته اند و باصطلاح خودمائی گز ملخ را گرفته و آتش زده اند. البته فلاحت و جنگل و معادن بودجه میخواهد ولی بنده میگویم بودجه را باید برای ناسیانی نوشت که مفید باشد نه برای اشخاصی که بیابند جلو وزیر. ما معاون دفیله بدهند تعظیم کنند و بگویند آقای وزیر سلام علیکم. حالا پا شوید و هر چه میخواهید به بنده جواب بدهید. این ترتیب کمال تعدی و تجاوز نسبت به بودجه مملکتی است. زیرا این بودجه بودجه نیست که برای مملکت يك پول نفع داشته باشد این اضافه بمعنای حقیقی خودش اضافه است. می نویسد دفع آفات حیوانی صد هزار تومان

آقا: تفریح بودجه اش را چرا نمی آورید به بینیم چیست و چه کرده اید؟ این دفع آفاتی که برای آذربایجان و گیلان و مازندران نوشته اید بیاورید به بینیم که چه خدمتی کرده اید؟ کدام گاو بد بخت از دست شما جان بدر برده؟ بهر گاوی که سرم زده اید گاو آن کله مرده است...

عمادی - در مازندران که خیلی فایده داشت آقا سید یعقوب - حالا اگر در مازندران دونا گاو سالم در رفته ربطی بمسئله ندارد. خوب است تحقیق کنید به بینید مسئله چه بوده؟ بنده برخلاف تصور آقای شیروانی عقیده ام عقیده منفی نیست بلکه کاملاً مثبت و همه آقایان عقیده بنده را میدانند. لکن در موضوع مخارج بنده طرفدار مخارجی هستم که حقیقتاً ببرد مملکت بخورد نه مخارجی را که بنده مطلعم وزیر یا معاون به فشار اشخاص آورده اند در کمیسیون بودجه و در آنجا هم به ما فشار می آورند و حالا هم میخواهند بتصویب مجلس برسانند. بنده با این طور مخارج مخالفم

معاون وزارت فواید عامه - آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد فرمودند که بودجه دفع آفات حیوانی حذف شود ولی باید عرض کنم که در اینجا هیچ اسمی از دفع آفات حیوانی نیست و اگر درست ملاحظه فرمائید خواهید دید که آن در بودجه علیحده است اما بنده میگویم بگویم که مؤسسه دفع آفات حیوانی هم يك مؤسسه مفیدی است و در آن قسمتهائی که مأمور رفته و سرم فرستاده شده است يك اقدامات مفیدی بعمل آمده و آقایان و کلاء مازندران و آذربایجان میدانند که يك استفاده هائی شده است

دکتر سنک - در این اواخر در مازندران خوب استفاده شده.

معاون وزارت فواید عامه - بلی همینطور است آقایان غالباً میدانند آقای دکتر سنک که خودشان هم طبیب و هم دکتر و هم اهل مازندران هستند میدانند که خیلی

بیشتر از این پنجاه هزار یا صد هزار تومانی که اعتبار داده شده است به مملکت خدمت کرده و البته از آن اشخاصی که خدمت کرده اند و در صحرا رفته اند باید قدری دانست کنیم. اما راجع به قسمت ملخ که فرمودند در فرانسه پول را به شکم نمیدهند بنده عرض میکنم در فرانسه هم پول را به شکم میدهند برای اینکه اگر يك اشخاصی نمیدادند آنها نمیتوانستند بروند و کار عام المنفعه را صورت بدهند.

این شخص از دو حال خارج نیست یا متخصص است یا يك آدمی است که رفته و در يك رشته علم تحصیلاتی کرده است در هر صورت اگر پول را بيك آدمی بدهند که او برود و يك اصلاحاتی بکند باز مصرف شکم میرسد بعلاوه بنده هیچ فرقی مابین یک نفر فرانسوی یا آلمانی یا ایرانی نمیگذارم و امید دارم ما در آتی نزدیک بتوانیم مثل آلمان و فرانسه و سایر ممالک متمدنه دارای اعضاء فی باشیم و همان کار هائی که آنها کرده اند بتوانیم در مملکت خودمان بکنیم. بنده و تمام اشخاصی که تحصیل کرده اند این امید واری را بخودمان میدهیم. اما راجع به قسمت نائی که فرمودند لازم است عرض کنم که این بودجه شش ماه است در این مجلس می چرخد در این صورت چطور عضو فنی آن برود در فارس که حضرات عالی از آن شکایت می فرمائید. شما آقا بودجه را رأی بدهید و این قدر اعتراض نفرمائید و اسباب کار را فراهم فرمائید آنوقت اگر دیدید اقدامی نشد و کسی زفت ناخت بیاورید. البته شما بلکه تمام افراد ایرانی باید ناظر اعمال هم باشند و اگر به بینند کار غلطی در ادارات میشود حق دارند اعتراض کنند ولی بنده در اینجا می خواهم استدعا کنم که آقایان هر کدام از این اقلام را بیفایده میدانند خوبست تشریف بیاورند در وزارتخانه و از بنده توضیح بخواهند البته اگر چیزهای بیفایده باشد ما خودمان هم حاضر نیستیم که قبول کنیم اما بودجه چهار میلیونیکه فرمودید در این دوسه روزه در اینجا چند مرتبه این مذاکره شده ولی بنده هیچ بودجه چهار میلیونی در این جا نمی بینم

يك بودجه راه آهن است که بالغ بر شش هفت میلیون است که ربطی بفوائد عامه ندارد آن يك قسمت مخصوص است که مجلس برای يك امر معینی رای داده است بطوریکه ما نمی توانیم بآن دست بزنیم. يك قسمت هم مربوط به بودجه طرق و شوارع است که آنها هم برای يك مصرف معینی است و ما نمیتوانیم از آن برداریم و خرج فلاحت بکنیم. بودجه فلاحت این مملکت همین است که ملاحظه میفرمائید شش ماه است در این مجلس میچرخد خلاصه اینکه بنده از آقایان استدعا دارم بیش از این بی لطفی نفرمایند و این بودجه را تصویب نفرمایند تا کاری از پیش برود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - برای اینکه آقای شیروانی خوشحال شوند بنده پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که از قرار سالی ده هزار تومان

رئیس کل فلاحت کسر شود.

فیروز آبادی - در اینجا نوشته رئیس کل فلاحت از بیستم اردی بهشت الی آخر اسفند از قرار سالی ده هزار تومان. این مال سال گذشته است که باید ده هزار تومان باو داد و مال امسال نیست. بنده میخواهم بدانم این متخصص فلاحتی که آمده است چه نتیجه از او برده ایم؟ رونق فلاحت در این است که با رعیت بسازید. بنده خودم رعیت هستم و حاضرم که زراعت کنم. آن متخصص هم بیاید زراعت کند به بینم کدام بهتر زراعت میکنیم. اما در قسمت قنوات که ما محتاج اروپائی نیستیم. این ده هزار تومانی که سال گذشته ماداده ایم بنده میخواهم بدانم چه نتیجه از آن برده ایم. و نتیجه عملیات این متخصص چه بوده است. و چه کرده که ده هزار تومان گرفته؟ این آدم از آلمان یا امریکا آمده باشد سهل است اگر از تمام دنیا هم جمع شوند مادام که فائده و نتیجه از آنها مترتب

نباشد بنده نمی توانم رأی بدهم . چرا . چیزی که کرده اند و لابد اغلب آقایان هم شنیده اند این است که چندی قبل رفته بودند و سم ریخته بودند گاوها و گوسفندان شهریار یا ساوه از آن خورده و مرده بودند . این نتیجه عملیاتشان بوده . حالا اگر نتیجه دیگری داشته خوب است آقایان بفرمایند که چه بوده ؟ در اینصورت بنده نمی توانم با این بودجه موافقت کنم که ده هزار تومان بکسی داده شود و نتیجه هم نداشته باشد .

بعضی از نمایندگان - باین پیشنهاد نمی شود رأی گرفت .

رئیس - آقای بیات

مرآضی قلیخان بیات - آقای فیروز آبادی کم کم دارند منکر علم میشوند و این خوب نیست که در مجلس این فرمایشات را بفرمایند و منکر علم شوند . . . بعضی از نمایندگان - منکر علم نشدند . منکر عمل شدند .

بیات - امروز آقا میفرمایند من زراعت میکنم يك کسی هم که متخصص است بیاید زراعت کند بیندیکي بهتر زراعت میکند . این بعقیده بنده يك چیزی است که مثل افتاب روشن است و هیچکس نمیتواند منکر آن بشود . عمل زراعت ما با زراعت دنیا خیلی فرق دارد (بعضی از نمایندگان صحیح است) بعلمت اینکه ملاحظه کنید ما بچه روز و دیگران بچه روز افتاده اند . این ها يك چیزهای محسوس و غیر قابل انکاری است . و بعقیده بنده امروز در قسمت عملیات وقتی يك چیزهایی را محسوس بینیم باید از آن استفاده کنیم بکنفرم تخصص فلاحت که او را کنترات کرده ایم و کنتراتش هم بتصویب مجلس رسیده است چطور می توانیم حقوقش را کسر یا حذف کنیم ؟ فیروز آبادی - لازم نیست

بیات - کنترات او گذشته و جزو بودجه نوشته شده و تعهد شده و دولت هم باید حقوق او را بدهد

می کند مخالفتی ندارند و رأی میدهند مکرر دیده شده و اتفاق افتاده که يك لواجی در ظرف نیم ساعت از این مجلس گذشته است . چنانچه همین امروز صبح لایحه راجع بصحیه گذشت . مقصود این است که نمایندگان هیچوقت نمی خواهند بیخود اسباب زحمت لایحه را فراهم آورد لایحه که جنبه ضعف نداشته باشد دوچار اشکال نمیشود و همانطوریکه در جلسه قبل عرض کرده ام يك روحی در این مجلس پیدا شده که مخالف است با توسعه ادارات و حقوق دادن باشخاص و این را هم دوست عزیز من آقای شیروانی در جلسه قبل اسمش را منفی بانی گذاردند . بنده اینرا منفی بانی نمیدانم بلکه وسیله اصلاح میدانم . و فرضاً اگر منفی بانی هم باشد بنده این قبیل منفی بانی را تقدیس میکنم . معروف است از مرحوم ملا صدیقی بکوقتی پرسیدند که چرا شما را لعن می کنند گفت برای اینکه قائل بوحدت واجب الوجود شده ام . و نیز گفت خیلی خوشوقتم که برای اینکار مرا لعن میکنند حالا اگر حقیقه مخالفت کردن با اضافه حقوق و توسعه دوائر منفی بانی شمرده می شود بنده این قسم منفی بانی را تقدیس میکنم ، و از پیدایش يك چنین روحی در مجلس خیلی امیدوار و خوشوقتم و آنرا دیباچه يك آئیه خوبی میدانم این نکته را هم باید عرض کنم که بنده هیچ نظر سوئی نسبت بوزیر با معاون فواید عامه ندارم . بلکه نهایت ارادت را هم بایشان دارم . برای اینکه ایشان يك شخص تحصیل کرده و متخصص هستند و حقیقتاً در وزارت فواید عامه بطور صحیح کار میکنند . اینکه گفتند چطور میشود کسی بادولت موافق باشد ولی با لایحه اش مخالف . اگر در ممالک خارجه اینطور است برای این است که موافقین دولت همه جزء موافقین آن حزبند یعنی لیبرل يك حزب یا دو حزب از طرف آن حزب وزیرند و آنوقت لواجی را هم که تنظیم میکنند مطابق مرام و مبانی مسلک آن حزب تهیه و تنظیم میکنند از این جهت آنها هم مخالفت نمیکند ولی در مملکت ما این

طور نیست دولت بحسن نیت و عقیده که باو داریم انتخاب میشود اعضای آن دولت هم نظر باینکه آنها را آدم های خوبی میدانیم وزیر میشوند . و این لایحه هم چندی پیش نوشته شده . و همانطور که عرض شد این لایحه از نقطه نظر احتیاج نوشته نشده است و شاید در بعضی مواقع خود آقایان وزراء بطور خصوصی اظهار میدارند و میگویند که ما را مجبور کرده اند لواج را اینطور تنظیم کنیم . از این جهت خودشان هم باید خوشوقت باشند از اینکه نمایندگان بلند میشوند و باین قسمت مخالفت میکنند و در اینصورت برای خودشان هم خوب است زیرا بان اشخاص می توانند بگویند که ما خواستیم برای شما يك کارهایی بکنیم ولی مجلس موافقت نکرد و موضوع رو در نایستی هم از بین می رود . موضوع پیشنهاد بنده قسمت محاسبات است . و این توضیح زیادی لازم ندارد در جلسه اسبق عرض کرده ام که محاسبات فواید عامه تا هشت ماه قبل سی و دو نفر عضو داشت ولی حالا صد و بیست نفر عضو دارد و این لازم نیست . این محاسبات خودش يك وزارتخانه مستقلی شده است . پرسنل پنج نفر عضو دارد ولی ارسینو محاسبات هشت نفر عضو دارد و این فرع زائد بر اصل است . این قسمتی که بنده پیشنهاد کردم حذف شود هشت نفر بیشتر نیست و مابقی آن را در بودجه کل مملکتی نوشته اند و بطوری که بنده در خارج تحقیقات کرده ام وجود این ها لزومی هم ندارد . این است که از آقای مخبر و معاون استدعا میکنم که پیشنهاد بنده را قبول فرمایند و طوری نشود که گردنشان بار شود که چون مخبر کمیسیون یا معاون هستند حکماً باید دفاع کنند و در جوابهایی که میدهند خوبت مصالح مملکت را در نظر بگیرند و غرضشان این نباشد که خودشان را ملزم بدانند دفاع کنند

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - تصور میکنم این دقت و مراقبت آقایان

راجع بمحاسبات وزارتخانهها خیلی خوب و قابل تقدیس

است این حسن انتظامی که در قسمت محاسبات مالیه پیدا شده است از نقطه نظر مراقبت و نظارت است. اما وزارت فوائد عامه روز بروز تشکیلاتش توسعه پیدا میکند و بر اعضاء اداره محاسبات هم با الملایزه اضافه میشود. و اینکه فرمودند صدو بیست نفر عضو در آنجا زیاد شده اینطور نیست فقط هشت نفر است که آنها هم ثبات و ضباط هستند و اینها هم اشخاص بیست تومان سی تومانی هستند و در سنه ۱۳۰۵ کار خودشان را هم کرده اند و با اینکه کار خودشان را کرده اند حالا ما نمیتوانیم رأی بدهیم که این اشخاص حقی ندارند. چون برای طرق و شوارع يك اداره مخصوص درست شده و برای خط آهن يك تشکیلاتی داده شده و محاسبات تمام اینها در اداره محاسبات تمرکز پیدا کرده و با این حال تصدیق میفرمائید که این عده هم کافی نیست. بنده در این مسافرتی که به سمنان کردم تحقیقاتی راجع راه سازی کردم معلوم شد در سابق پولها را میخورند و پولی اخیراً وزارت مالیه و رئیس کل مالیه برای جلوگیری از حیف و میلها ناچار شده اند يك تشکیلات مخصوص بدهند. يك نحو بلددار و يك ناظر با يك نفر دیگر معین کرده اند که مراقب و مواظب امور باشد و در راهها نظارت بکند و از قراریکه تحقیق کرده ام خیلی مؤثر شده و از حیف و میل جلوگیری شده. غرض این است که برای جلوگیری از افراط و تفریطها ناچارند يك کنترل و نظارتی داشته باشند و يك اعضائی داشته باشند و اینها يك اشخاص صد تومانی دویست تومانی نیستند و فقط هفت هشت نفر برای تمام مملکت با حقوق کم در مرکز معین شده اند و اینها باید محاسبات تمام مؤسسات را در نظر بگیرند بنده عقیده ام این است که این مسئله نهایت درجه لزوم را دارد و بلکه این عده هم خیلی کم است و مخصوصاً شعبه پرسنلی و محاسبات وزارت فوائد عامه آدم لازم دارد زیرا کارهایشان زیاد است. خواهشمندم آقایان يك دقت بیشتری بفرمایند و ملاحظه بفرمائید که ترتیبات با سابق خیلی فرق کرده است

رئیس -- عده کافی نیست آقای فیروز آبادی پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود.

عراقی - بنده با ختم جلسه مخالفم

شیروانی - این چه مجلسی است !؟

رئیس -- آقای عراقی

عراقی - راستی راستی بنده دارم عقیده مند میشوم که برای لوابخ هم ساعت نحس و خوب هست و بعضیها خوش اقبال و بعضی دیگر بد اقبالند. این لایحه فوائد عامه معلوم میشود خیلی بد اقبال است. چند روز است که در اطراف این لایحه صحبت میشود و همه هم تصدیق داریم که فوائد عامه يك وزارت خانه ایست که بدرد مملکت میخورد و باید بزراعت و صنعت و رفع بد بختی مملکت کمک کند ما خوبست سایر وزارتخانهها را نگاه کنیم مثلاً وزارت مالیه را به بینیم که چقدر اعضاء دارد. بنده تصور میکنم اینقدر کشمکش کردن در اطراف يك وزارت خانه که اگر صد تومان امروز خرج کنیم مالاً هزار تومان فائده خواهیم برد لزومی ندارد. و مخصوصاً بعد از این توضیحاتی که آقای باستانی دادند که این اضافه مواجب نیست و کمک برای صناعت و تجارت و فلاح است دیگر این مذاکرات موردی ندارد و نمیدانم برای چه باید اینقدر معطل شویم.

رئیس -- عده برای رأی گرفتن کافی نیست.

دستی ممکن است پیشنهادات قرائت شود و مذاکرات ادامه داده شود.

رئیس -- این ترتیب مخالفی دارد ؟

آقای آقا سید یعقوب - بنده مخالفم.

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب - بنده عرض میکنم این فرمایشاتی را که آقایان میفرمایند بهتر این است که مواظب آمدن

خودشان در مجلس باشند خدا میداند بنده اساساً طبیعتاً عمل کردن بوظیفه است. چنانچه وقتی زنك زده میشود فوری مثل شیپور حاضر باش در مجلس حاضر میشوم. ولی متأسفانه آقایان هم میآیند و هم میروند آنوقت می گویند بوجه فوائد عامه چطور ؟ ما يك صرحی پیشنهاد کرده ایم و از مقام محترم ریاست تقاضا میکنم که آن را مطرح نمایند و آقایان هم رای بدهند تا همه بوظیفه خودشان عمل کنند و غیر از این هم چاره نداریم و با هیچ ترتیبی غیر از این نمی توان جلوگیری کرد.

رئیس -- در هر حال بقیه مذاکرات می ماند برای روز پنجشنبه.

(مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد)